

The Relationship between the Legalization of Prayer and the Hadith "La Salata illa' bifatihateh al-Kitab " in Knowing the First Revealed Surah¹

Kamran Oveysi  *

Assistant Professor of Qur'anic and Hadith Studies, University of Islamic Education, Qom, Iran

Saeed Farhang Jelodar

MA. student of Quran and Hadith Studies, University of Islamic Education, Qom, Iran

Accepted: 17/04/2023

Abstract

The issue under discussion, the first revealed Surah, has been researched by Qur'anic scholars and finally, due to the proofs and evidences, one of the surahs of Mudassar, Alaq, Hamad has been chosen as the first revealed surah. Those who say the descending precedence of Surah Hamad have insisted on numerous evidences; Such as the establishment of prayer by the Prophet (pbuh) and his companions and the hadith "La salata illa' bifatihateh al-kitab". The purpose of this research is to explain the relationship between the law of prayer and the hadith "La salata illa' bifatihateh al-kitab" with the first verses and surahs of the revelation, in order to validate the suspicion resulting from the dating of the first verses or surahs of the revelation. By examining the relationship between these two reasons, using a descriptive-analytical method in determining the first revealed Surah and reflecting on the aforementioned justifications against them, it is known that there is no need to prove the first revelation of Surah Hamad based on those two reasons. Paying attention to the common method in the collection of narrations indicating the first revealed verses and Surah, it can be said that the first five verses of Surah al-Alaq were revealed at the beginning of Bethat and then verses from the first of Surah al-Moddasser and Surah al-Hamd is considered the first fully revealed Surah..

Keywords: Analysis, Legislation of Prayer, Hadith "La salata illa' bifatihateh al-kitab", The first revealed Surah, Surah al-Hamd.

Received: 31/01/2023

eISSN: 2476-6070

ISSN: 2228-6616

¹ "There is no prayer except with the opening of the book".

* **Corresponding Author:** oveysi@maaref.ac.ir

How to Cite: Oveysi, K. & Farhang Jelodar, S. (2023). "The Relationship between the Legalization of Prayer and the Hadith "La Salata illa' bifatihateh al-Kitab " in Knowing the First Revealed Surah", *Journal of Seraje Monir*, 13(45), 1-24.

رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در شناخت نخستین سوره نازل

کامران اویسی * ID
استادیار معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
سعید فرهنگ جلودار

چکیده

مسئله مورد بحث، اولین سوره نازل از سوی قرآن پژوهان مورد تحقیق قرار گرفته است و نهایتاً با عنایت به ادله و قرائن، یکی از سوره‌های مدثر، علق، حمد به عنوان نخستین سوره نازل برگزیده شده است. قائلان به تقدم نزولی سوره حمد به شواهد و ادله متعددی تمسک کرده‌اند؛ مانند برپایی نماز به وسیله پیامبر (ص) و یاران وی و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ». هدف از این پژوهش، تبیین رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» با نخستین آیات و سوره‌های نازل، در راستای اعتباربخشی به ظن حاصل از تاریخگذاری نخستین آیات یا سوره نازل است. با بررسی رابطه این دو دلیل، به روش توصیفی-تحلیلی در تعیین اولین سوره نازل و تأمل در توجیه‌های مذکور مقابل آن دو، دانسته می‌شود که نیازی نیست نخستین بودن نزول سوره حمد را بر اساس آن دو دلیل اثبات کرد. با التفات به روش رایج در جمع بین روایات دال بر نخستین آیات و سوره نازل، می‌توان گفت که پنج آیه ابتدایی سوره علق در ابتدای بعثت و سپس آیاتی از اول سوره مدثر نازل شده است و سوره حمد اولین سوره نازل کامل محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، تشریح نماز، حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»، نخستین سوره نازل، سوره حمد.

۱. مقدمه

یکی از مسائل مطرح در مبحث نزول قرآن، تعیین اولین سوره نازل بر پیامبر (ص) است. پژوهشگران علوم قرآنی با عنایت به ادله و قرائن، یکی از سوره‌های مدثر، علق و یا حمد را به عنوان اولین سوره نازل برگزیده‌اند. از میان اقوال سه‌گانه، قول به تقدم نزولی سوره حمد و بیان رابطه تشریح نماز در ابتدای بعثت و برپایی نماز به وسیله پیامبر (ص) و یاران وی و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» با تقدم نزولی سوره حمد، نیازمند بررسی بیشتر است. این نوشتار با روش تحلیلی—توصیفی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، ابتدا مسئله تشریح نماز و اقامه آن به وسیله پیامبر (ص) به همراه یاران خاص وی را بررسی کرده‌است، سپس حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» را از حیث محتوا مطالعه نموده‌است. در ادامه، دیدگاه‌های مربوط به تقدم نزولی سوره‌های مدثر و علق نقل گردیده‌است، آنگاه ذیل ادله و قرائن دال بر تقدم نزولی سوره حمد، مسئله اقامه نماز پیامبر (ص) با یاران در ابتدای بعثت و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» مطرح شده‌است که علاوه بر بیان رابطه این دو با تقدم نزولی سوره حمد، توجیه‌هایی نیز در مقابل این رابطه بیان شده‌است و در پایان، نظر مختار آمده‌است. هدف از این پژوهش، تبیین تحلیلی رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» با آیات و یا سوره‌های نخستین، برای اعتباربخشی به ظن حاصل از تاریخ‌گذاری نخست آیات یا سوره‌های نازل شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره مسئله تعیین نخستین سوره نازل در کتاب‌های مختلف، اعم از تفسیری و روایی، مطالبی هرچند به صورت ضمنی بیان شده‌است، اما نهایتاً یکی از سوره‌های مدثر، علق و یا حمد را به عنوان اولین سوره نازل معرفی نموده‌اند؛ چه در کتب تفسیری (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۸—۴۰؛ همان، ج ۲۹: ۹۰؛ همان، ج ۳۰: ۱۶۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۷۱ و ۳۷۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۶۴۴—۶۴۵ و ۷۷۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۳ و ۷۸۰؛

قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۱۵؛ همان، ج ۲۰: ۱۱۸-۱۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق.، ج ۱: ۱۵۹؛ همان، ج ۲: ۴۰۶؛ ج ۳۰: ۶۰۰ و ۶۹۶؛ ج ۳۲: ۲۱۵ و طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹-۲۰؛ ج ۲۰: ۷۹-۸۳ و ۱۳۳ و ۳۲۳-۳۲۵)، چه در کتب علوم قرآن (ر.ک؛ زرکشی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۱: ۲۸۰-۲۸۲ و ۲۹۳-۲۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۱: ۶۲ و ۱۰۶-۱۰۹؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۴-۱۲۷؛ همان، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۶ و همان، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۵).

در کتب روایی نیز احادیث و اخباری که به عنوان دلیل نقلی در اثبات اولین سوره نازل استفاده می‌شود، از سوی برخی محدثان نقل گردیده‌است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق.، ج ۲: ۶۲۸ و ج ۳: ۴۸۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق.، ج ۲: ۱۴۶-۱۴۷ و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶-۴۴).

مقاله‌هایی نیز نوشته شده‌است که هر یک بُعدی از مسئله را پوشش می‌دهند و یا بر اساس پیش‌فرض‌های خاصی چون پذیرش جدول خاصی از ترتیب نزول سوره‌ها یا دفعی نازل شدن هر سوره یا غیر قرآنی بودن وحی در روز بعثت یا عدم قبول روایات منقول در کتب و جوامع روایی تدوین یافته‌اند؛ مثل مقاله‌هایی با عناوین «زمان‌شناسی سوره حمد» (نکونام: ۱۳۷۹) و «تفسیر سوره علق در بستر تاریخی» (همان: ۱۳۸۲) و نیز «چالش نخستین نزول؛ جمع‌بندی نوین از روایات نخستین سوره نازل‌شده بر پیامبر اکرم (ص)» (خامه‌گر و نقی‌زاده: ۱۳۹۱). مقاله‌هایی چون «پژوهشی پیرامون نخستین آیات نازل‌شده بر پیامبر» (موسوی و علی‌نژاد: ۱۳۹۶) و «تاریخ وجوب نمازهای یومیه در اسلام» (عزیزی‌کیا: ۱۳۸۴) نیز بیشتر ناظر به بحث فقهی مسئله تشریح نمازهای روزانه است.

امتیاز نوشتار حاضر نسبت به پژوهش‌های دیگر این است که علاوه بر تبیین اقوال مربوط به نخستین سوره نازل، چگونگی رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» با مسئله نخستین سوره نازل بیان شده‌است و آنگاه توجیه‌هایی که در مقابل این رابطه ذکر شده، مطرح شده‌است که در سایر پژوهش‌های انجام‌شده به این بُعد از بحث دقت نشده‌است و به ذکر تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» به عنوان دلیل بر

رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در ...؛ کامران اویسی و سعید فرهنگ جلودار | ۵

تقدم نزولی سوره حمد بسنده کرده‌اند، بدون اینکه تحلیلی در این راستا ارائه دهند و توجیه‌های مطرح شده را ضمیمه کنند.

۲-۱. روش

در این پژوهش، مطالب به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده‌است و از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی و در عین حال، بنیادی محسوب می‌گردد. در این پژوهش، توجه ویژه‌ای به بحث تاریخگذاری و ترتیب نزول آیات و سوره‌ها و دلالت تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» به عنوان دلیل بر نخستین سوره نازل و تحلیل رابطه این دو با تقدم نزولی سوره حمد شده‌است.

۳-۱. یافته‌ها

یافته‌های این نوشتار در پرتو بررسی تشریح نماز، حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» و نیز بیان دیدگاه‌ها درباره اولین آیات یا سوره نازل شده و ارزیابی آن‌ها به دست می‌آید.

۲. تشریح نماز

با التفات به آیات قرآن دانسته می‌شود از جمله مسائلی که انبیای الهی مأمور به تبلیغ آن بوده‌اند، پرستش خداست. در قرآن از جانب انبیاء حکایت می‌شود که به قومشان می‌گفتند: ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ﴾ و این مطلب در سوره‌های متعدد آمده‌است (النحل / ۳۶ و نوح / ۳) طبق حدیثی از امام صادق^(ع)، «نماز» آخرین وصیت انبیاء محسوب می‌شود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۹۹). دستور اقامه نماز نیز در برخی آیات در قصص پیامبران دیده می‌شود: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يَبُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ (یونس / ۸۷)؛ یعنی: «و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن خانه‌هایی برای قوم خود در مصر ترتیب دهید و سراهایتان را روبه‌روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید».

همچنین، خداوند حکایت می‌کند که مردم خطاب به شعیب^(ع) می‌گفتند: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلُوكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا﴾ (هود/۸۷)؛ یعنی: «گفتند: ای شعیب، آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند، رها کنیم؟».

با توجه به آیات پیش‌گفته و سایر آیات مرتبط دانسته می‌شود که نماز پیش از شریعت اسلام، به وسیله انبیای الهی برپا می‌شد و مردم به واسطه تبلیغ انبیای الهی با مسئله نماز آشنا بوده‌اند، اما با گذر زمان و ایجاد تحریف در تعالیم انبیای پیشین، عبادتشان مطابق با تعالیم انبیاء نبوده‌است (ر.ک؛ فضائی، ۱۳۶۱: ۱۶۹). از باب نمونه، عبادتی که مسیحیان و یا یهودیان انجام می‌دادند و تا به امروز نیز ادامه دارد، مطابق با عبادتی نیست که عیسی و موسی (علیهم‌السلام) به جا می‌آورده‌اند (ر.ک؛ حی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۳ و هاکس، ۱۳۸۳: ۸۸۷)؛ زیرا شریعت نصرانی و یهودی دچار تحریف شده است و اعمال صادره به وسیله پیروان آنها بیشتر جنبه دعا دارد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۱۶۳-۱۶۴).

با رجوع به قرآن دانسته می‌شود که مردم آن دوره نیز امر عبادت و نماز را به جا می‌آورده‌اند، اما با کیفیتی متفاوت که خداوند متعال در مذمت آنها می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً﴾ (انفال/۳۵)؛ یعنی: «و نمازشان در خانه [ی خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود».

پیامبر^(ص) نیز همچون انبیای گذشته، عامل به نماز و عبادت پروردگار متعال بود، به طوری که حتی قبل از بعثت نیز عبادت خدا را به جا می‌آورد. اما اینکه نماز اولین بار در چه زمانی به جا آورده شده، اقوالی مطرح است:

الف) نماز در سفر معراج به جا آورده شده‌است. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «زمانی که پیامبر^(ص) را به معراج بردند و خداوند متعال اذان و اقامه و نماز را به او یاد داد، وقتی برای نماز ایستاد خداوند متعال به وی فرمان داد که در رکعت اول سوره حمد و توحید بخواند... (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵: ۹۸). ممکن است مقصود از ذکر سوره توحید، مصداقی از لزوم خواندن یک سوره پس از سوره حمد باشد؛ چنان که جواز قرائت هر سوره کاملی بنا بر برخی روایات داده شده‌است (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۶: ۴۳-۴۵)، و گرنه باید

رابطهٔ تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در ...؛ کامران اویسی و سعید فرهنگ جلودار | ۷

دلیل تشریح نماز برای اثبات نخست بودن نزول سورهٔ حمد نسبت به دیگر سوره‌ها را به سورهٔ توحید نیز تسری داد.

همچنین، حسین بن ابی العلاء از امام صادق^(ع) نقل می‌کند که به حضرت عرض کردم:

«اهل دهر می‌گویند که چرا نماز در هر رکعت دو سجده دارد و دو رکعت با دو سجده نیست؟ ایشان فرمودند: ... مردم خیال می‌کنند که نخستین نماز پیامبر^(ص) بر روی زمین صورت گرفته‌است، حال آنکه دروغ می‌گویند! نخستین نمازی که پیامبر^(ص) بر پا داشته، در آسمان و با فرمان الهی بوده‌است... به ایشان فرمان داد که به چشمهٔ صاد نزدیک شو و وضو بگیر... خداوند متعال به پیامبر^(ص) وحی کرد که برای پروردگارت سجده کن...» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۲۴).

احادیث دیگری نیز وجود دارد که مؤید این قول می‌باشد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج

۳: ۴۸۷ و ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۷).

ب) بر فرض پذیرش تشریح و جوب نمازهای یومیه در سفر معراج، نماز به وسیلهٔ پیامبر اکرم^(ص) و یاران خاص وی قبل از معراج نیز برپا شده‌است. پیامبر^(ص) زمانی که به سی‌وهفت سالگی رسید، در عالم رؤیا مشاهده می‌کرد که کسی به او «یا رسول‌الله» می‌گوید... جبرئیل که آبی همراه داشت، بر حضرت نازل شد و به ایشان گفت:

«ای محمد، برخیز و برای نماز وضو بگیر. وضو، رکوع و سجود را به حضرت یاد داد و هنگامی که پیامبر^(ص) به سن چهل سالگی رسید، فرمان نماز نسبت به وی صادر شد، لیکن وقت نماز به وی نازل نگردد. پیامبر^(ص) گاه دو رکعت نماز به پا می‌داشت... پیامبر^(ص)، علی^(ع) و خدیجه^(ص) را به اسلام دعوت کرد و آن‌ها اسلام آوردند و در آن برههٔ زمانی، جز آن دو، پشت پیامبر نماز نمی‌خواندند...» (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۱۰۲).

ابن شهر آشوب آورده‌است:

«جبرئیل بدون اذن نزد پیامبر نمی‌آمد، تا اینکه در همان روزهای نخست بعثت، در بلندی‌های مکه نزد پیامبر^(ص) آمد و پای خود را بر زمین کوبید و چشمهٔ آبی جوشید. در این هنگام، جبرئیل وضو گرفت و رسول خدا نیز پیروی کرد و وضو گرفت و نماز خواند و این نماز، نخستین نماز واجبی بود که پیامبر^(ص) در زمین به جا آورد. علی^(ع) نیز همراه با پیامبر^(ص) نماز به جا آوردند. در همان روز، پیامبر^(ص) نزد حضرت خدیجه^(ص) آمد و او را

از نماز خبر داد و او نیز طبق آموزش پیامبر وضو گرفت و نماز عصر آن روز را ادا کرد (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶).

این دو گزارش دلالت صریحی بر اقامه نماز در ابتدای بعثت ندارند، اما با عنایت به قرینه موجود در آن‌ها، یعنی برپایی نماز به وسیله علی^(ع) و خدیجه^(س) در معیت پیامبر^(ص)، دانسته می‌شود که نماز در ابتدای بعثت و قبل از معراج برپا شده است.

۲-۱. بررسی حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»

حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» که ابتدا از زبان پیامبر^(ص) صادر شده، از طریق شیعه و سنی نقل گردیده است (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۲۲ ق.، ج ۱: ۱۵۱؛ نیشابوری، بی تا، ج ۱: ۲۹۵؛ راوندی، ۱۴۰۲ ق.، ج ۱: ۱۰۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰ ق.، ج ۲: ۵۳۷؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق.، ج ۱: ۱۹۶)؛ یعنی نماز بدون خواندن فاتحه‌الکتاب که همان سوره حمد است، صحیح نیست. احادیثی با تعبیر دیگر، ولی مُشیر به این معنا نقل شده است؛ مانند:

الف. حدیث نبوی: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يَقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، فَهِيَ خَدَأٌ» (نیشابوری، بی تا، ج ۱: ۲۹۷ و مجلسی، ۱۴۰۳ ق.، ج ۸۲: ۱۱)؛ یعنی هر نمازی که در آن سوره حمد خوانده نشود، ناقص است.

ب. از امام باقر^(ع) درباره فردی که سوره حمد را در نماز نمی‌خواند، سؤال پرسیده شد. ایشان فرمودند: «لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَقْرَأَ بِهَا {فَاتِحَةَ الْكِتَابِ} فِي جَهْرٍ أَوْ إِخْفَاتٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق.، ج ۲: ۱۴۶)؛ یعنی نمازی برای وی نیست، مگر اینکه سوره حمد را به قرائت، بلند یا آهسته بخواند.

ج. محمد بن مسلم از امام باقر^(ع) پرسید: به هنگام خوف یا عجله داشتن، کدام یک از قرائت سوره یا حمد نزد شما محبوب است؟ ایشان گفتند: فاتحه‌الکتاب (ر.ک؛ همان: ۱۴۷).

د. امام رضا^(ع) فرمود: «نماز به این سبب با قرائت سوره حمد، و نه سوره‌های دیگر شروع شده که در هیچ سوره‌ای به اندازه سوره حمد، خیرات و حکم جمع نشده است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج ۶: ۳۸).

احادیث دیگری نیز هست که هر یک بر لزوم قرائت سوره حمد در نماز دلالت دارند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۶ و طوسی، ۱۴۰۷، ق.، ج ۲: ۱۴۷).

دانشمندان فریقین نکاتی را در مواجهه با این احادیث برداشت کرده‌اند که عبارتند از: الف) با توجه به این احادیث، دانسته می‌شود که خواندن سوره حمد در نماز، واجب است. پس اگر کسی عمداً قرائت سوره حمد را در نماز ترک کند، باید نماز را اعاده کند و اگر سهواً ترک نماید، نیازی به اعاده نماز نیست. البته هرچه مانند تکبیرة الإحرام که خداوند بر بندگان واجب کرده، با ترک عمدی و سهوی، مُبطل نماز هستند. در مقابل، هرچه پیامبر (ص) به واسطه اختیاراتی که دارد، آن را واجب کرده باشد، مثل قرائت فقط در صورت ترک عمدی، موجب بطلان نماز می‌شود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ق.، ج ۴: ۲۵۱).

ب) اکثر مفسران قائل هستند که سوره حمد، مکی است (ر.ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق.، ج ۴: ۷۷۵) و برای اثبات این مدعا به روایاتی مذکور تمسک می‌جویند. سیوطی معتقد است با توجه به اینکه حکم نماز در مکه آمده است و طبق احادیث، نماز بدون قرائت سوره حمد صحیح نیست، پس دانسته می‌شود که سوره حمد در مکه نازل شده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ق.، ج ۱: ۶۲). استدلال سیوطی از باب برهان خُلف می‌باشد که به واسطه ابطال نقیض، مطلوب ثابت می‌شود (ر.ک؛ مظفر، بی تا، ج ۱: ۲۷۵).

۲-۲. بیان و بررسی دیدگاه‌ها

علما و مفسران شیعه و سنی در اینکه رسالت پیامبر (ص) با نزول چه سوره‌ای همراه شده، اختلاف دارند. مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره نخستین سوره نازل شده به شرح زیر است.

۲-۲-۱. سوره مدثر

برخی از قرآن پژوهان قائل هستند که اولین سوره نازل، سوره مدثر است و برای اثبات قول خود به حدیثی از ابن سلمه تمسک کرده‌اند که وی نقل می‌کند:

«از جابر بن عبد الله انصاری سؤال نمودم: کدام سوره و یا آیه، اولین بار نازل گردیده است؟ گفت: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ». گفتم: پس «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» به چه صورتی است؟

گفت: مطلبی را که از نبی اکرم^(ص) شنیده‌ام، الآن به شما می‌گویم؛ مدتی را در مجاورت کوه حراء گذرانیدم. در پایان که از کوه پایین آمدم و به میانه دشت رسیدم، ندایی شنیدم. به هر طرف نگریدم، کسی را ندیدم. سپس سر به آسمان بلند کردم. ناگهان او (جبرئیل) را دیدم. {لرزشی مرا فراگرفت و} گفتم که مرا بپوشانید... پس به روی من آب ریختند. آنگاه خداوند متعال ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾ را نازل کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸: ۱۶۶).

علامه طباطبائی بر این باور است که این حدیث با احادیث دیگری که دلالت دارند بر نخستینگی نزول سوره علق و توجه به مضمون سوره علق، در تعارض است. از طرفی، خود محتوای حدیث اشعار به این دارد که بر پیامبر^(ص) پیش از این سوره، وحی نازل می‌شد. همچنین، خود آیات سوره مدثر این قول را تکذیب می‌کند؛ زیرا آیاتش می‌رساند که رسول خدا^(ص) پیش از نزول این سوره، آیات قرآنی را برای مردم تلاوت می‌نمود و در مقابل، مردم تکذیب و رد می‌کردند و قرآن را سحر تلقی می‌نمودند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۷۹).

آیت‌الله معرفت در مقام نقد قول قائلان به تقدم نزولی سوره مدثر می‌فرماید: «ظاهر حدیث هیچ دلالتی بر تقدم نزولی سوره مدثر ندارد و تقدم نزول سوره مدثر، برداشت خود جابر بن عبدالله می‌باشد» (معرفت، ۱۳۸۱: ۷۵).

حدیث دیگری از جابر نقل است که می‌گوید:

«پیامبر^(ص) درباره فترت وحی سخن می‌گفت و می‌فرمود: هنگامی که به راه خود ادامه می‌دادم، ناگاه ندایی از آسمان شنیدم. سر بلند کردم، فرشته‌ای را دیدم که در کوه حراء نیز آمده بود. از دیدار او به وحشت افتادم و بر روی زانوهای خود نشستم. سپس از راه خود برگشتم و به خانه آمدم و گفتم: زَمَلُونِي، زَمَلُونِي؛ یعنی مرا بپوشانید. آنگاه مرا پوشاندند. در این موقع، آیات ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * فَمُتَّأْتِر...﴾ نازل شد. پس از آن، وحی پی‌درپی و بدون انقطاع فرود آمد» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱: ۱۴۳ و طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۹: ۹۰).

سخن از فترت وحی، اشاره بر این دارد که پیامبر^(ص) تا مدتی وحی الهی را دریافت می‌کرد، اما برای مدتی وحی نازل نشده، تا اینکه دوباره ارتباط برقرار، و سوره مدثر نازل شده است. پس، سوره مدثر اولین سوره نازل نیست.

رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در...؛ کامران اویسی و سعید فرهنگ جلودار | ۱۱

۲-۲-۲. سوره علق

بیشتر مفسران قائل‌اند که سوره علق اولین سوره نازل بر پیامبر^(ص) است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۷۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۰ و زمخشری، ۱۴۰۷ ق.، ج ۴: ۷۷۵). قاتلان این نظریه به دلیل نقلی و محتوای سوره استشهاد می‌کنند.

۲-۲-۲.۱. دلیل نقلی

اهمّ این احادیث عبارتند از:

الف) امام صادق^(ع) و امام رضا^(ع) در احادیث جداگانه‌ای فرموده‌اند: «اولین سوره‌ای که نازل شد، علق، و آخرین سوره، نصر است» (کلینی، ۱۴۲۹ ق.، ج ۴: ۶۶۰ و ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶).

ب) در روایت نقل شده از عایشه، وی نخستین نزول وحی را چنین توصیف می‌کند: «در ابتدا، وحی الهی به صورت رؤیای صادقه بر پیامبر آشکار می‌شد... روزها بدین صورت گذشت، تا آنکه در غار حراء، پیام باری تعالی به وسیله فرشته وحی به حضرت رسید و به حضرت گفت: بخوان. حضرت گفت: نمی‌توانم بخوانم... برای بار سوم به حضرت گفت: ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...﴾» (بخاری، ۱۴۲۲ ق.، ج ۱: ۷ و نیشابوری، بی تا، ج ۱: ۱۳۹).

ج) در منابع روایی اهل سنت، از افرادی همچون عبدالله بن عباس، مجاهد، عبید بن عمیر و ابوموسی اشعری، نقل‌هایی درباره تقدم نزولی سوره علق ثبت شده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق.، ج ۶: ۳۶۸).

۲-۲-۲.۲. توجه به محتوای سوره

توجه به محتوای این سوره نشان می‌دهد که با فعل ﴿إِقْرَأْ﴾ آغاز شده است و پیامبر^(ص) را از جایگاه رسالت آگاه می‌سازد. علامه طباطبائی این دلیل را چنین تقریر کرده است: «ظاهر اینکه خدا به طور مطلق فرمود: ﴿إِقْرَأْ﴾ این است که منظور از آن، دستور به تلقی آیاتی از قرآن است که فرشته وحی از ناحیه خدا به پیامبر^(ص) وحی می‌کند. پس جمله مورد بحث، امر به قرائت کتاب است که خود این امر هم از آیات آن محسوب

می‌شود. نظیر گفتار هر نویسنده‌ای که در آغاز نامه سفارش می‌کند این نامه مرا بخوان و به آن عمل کن. پس اینکه می‌گوید: "این" و یا می‌گوید "آن"، خودش نیز بخشی از نامه است. به واسطه این سیاق، دو احتمال تأیید می‌شود. اول، این آیات اولین آیاتی است که بر پیامبر^(ص) نازل شده‌است. دوم، تقدیر کلام، "إِقْرَأَ الْقُرْآنَ" و یا چیزی است که این معنا را برساند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۲۳).

در نقد دیدگاه مبنی بر تقدم نزولی سوره علق می‌توان گفت: اولاً آنچه که از ظاهر ﴿اِقْرَأْ﴾ برداشت می‌شود، این است که قبل از نزول سوره علق، وحی بر پیامبر اکرم^(ص) نازل می‌شد و پیامبر قبل از نزول این سوره به نبوت مبعوث بوده‌است؛ چراکه آیات سوره علق مُشیر به این است که مفعول به ﴿اِقْرَأْ﴾، غیر از آیات موجود در این سوره است؛ زیرا مقبول نیست که بدون نزول چیز خواندنی بر پیامبر اکرم^(ص)، به ایشان دستور خواندن داده شود. ثانیاً با عنایت به نظام ساختاری و اتصال بین تمام آیات این سوره، دانسته می‌شود که این آیات به صورت دفعی نازل شده‌است. در این آیات، به پیامبر اکرم^(ص) دستور داده شده‌است که با استمداد از حضرت حق، نسبت به کسی که حق را انکار و به آن پشت می‌کند و نسبت به برپایی نماز نهی می‌کند، به خود بیم راه ندهد و از آن فرد اطاعت نکند و همانند سابق، نماز را برپا کند. در ادامه، خداوند متعال می‌فرماید که اگر آن فرد از این کارهایش دست بردارد، دچار خواری خواهد شد. از جمله مؤیدات اتصال آیات، هماهنگی ابتدا و پایان این سوره می‌باشد؛ چراکه در ابتدا با کلمه ﴿اِقْرَأْ﴾ به نماز دستور داده شده‌است و آنگاه در پایان، با کلمه ﴿اِسْجُدْ﴾ مسئله نماز را تأکید نموده‌است. با توجه به محتوای آیات این سوره، آنچه که به دست می‌آید، این است که پیامبر اکرم^(ص) پیش از نزول این سوره، عامل به نماز بود، حال آنکه نماز بدون قرائت سوره حمد جایز نیست. پس سوره علق به حسب نزول، متأخر از سوره حمد می‌باشد (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۲۸۶-۲۸۷).

۲-۳. سوره حمد

برخی از قرآن پژوهان قائل هستند که اولین سوره نازل، سوره حمد است و برای اثبات این ادعا به ادله و شواهد مختلفی تمسک کرده‌اند.

۲-۳-۱. دقت در محتوای سوره علق

با دقت در محتوای سوره علق و مفعول به فعل «اقْرَأْ» دانسته می‌شود که پیش از نزول سوره علق، از جانب خدا به پیامبر (ص) وحی نازل می‌شد و طبق نزول قبلی وحی، خدا در سوره علق به پیامبر، دستور خواندن وحی می‌دهد که آن وحی با توجه به قرائن متعدد، چیزی جز سوره حمد نیست. دیدگاه‌ها درباره مفعول به «اقْرَأْ» چنین است:

الف) عبارت «مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ» و یا «مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» مفعول به است. مفسرانی چون قرطبی و علامه طباطبائی قائل به این دیدگاه هستند و معتقدند مراد از «اقْرَأْ»، دستور فراگیری آیاتی است که خداوند متعال به واسطه فرشته به پیامبر وحی می‌کند (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰: ۱۱۷ و طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۲۳). این دیدگاه، مقبول نیست؛ زیرا ظاهر سوره علق مشیر به این نیست که مفعول به، خود آیات سوره علق باشد، بلکه ظاهر این آیات نشان می‌دهد چیزی قبل از نزول این آیات نزد پیامبر بوده است. از طرفی، آیه ششم این سوره، با عبارت «كَلِمًا» آغاز شده است، در حالی که این عبارت برای شروع یک کلام صلاحیت ندارد. بنابراین، پنج آیه نخستین سوره علق صلاحیت ندارند که اولین آیات نازل بر پیامبر (ص) باشند (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۲۷۳).

ب) عبارت «اسم رَبِّكَ» مفعول به باشد. طبرسی معتقد است «اقْرَأْ» به معنای «أذْكَر» و مفعول آن، «اسم رَبِّكَ» است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۰). این دیدگاه نیز مورد قبول نیست؛ چرا که «اقْرَأْ» را نمی‌توان به معنای «أذْكَر» در نظر گرفت؛ زیرا هیچ علقه‌ای بین این دو نیست. از طرفی، با توجه به آیات قرآن کریم، دانسته می‌شود که مفعول به «اقْرَأْ» همراه با حرف «باء» استعمال نشده است (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۲۷۴).

ج) واژه «الصَّلَاة»، مفعول به باشد. طبق این قول، مراد از «اقْرَأْ» این است که خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد از تهدیدهای مخالفان نترسد و نماز را همچون قبل به جا بیاورد. این دیدگاه طبق شواهد و قرائن متعدد، مورد تأیید است و اولاً ظهور آیات این سوره، چنین قولی را تأیید می‌کند؛ زیرا ظهور این آیات دلالت دارند بر اینکه مفعول به «اقْرَأْ» غیر از آیات موجود در این سوره است و مقبول نیست که بدون نزول چیز خواندنی بر پیامبر

اکرم^(ص)، به ایشان دستور خواندن داده شود! ثانیاً ابتدای این سوره، به سوره مزمل شباهت دارد. پس همانطوری که در سوره مزمل دستور به برپایی نماز داده شده است. در این سوره نیز برپایی نماز مدنظر می باشد. ثالثاً در آیات ۹ تا ۱۹ این سوره درباره ابوجهل بن هشام همان فردی که از برپایی نماز ممانعت می کرد، سخن گفته شده است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳۰: ۱۶۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۲) که از این آیات برداشت می شود، پیامبر^(ص) پیش از نزول سوره علق، نماز را به پا می داشت و از طرفی هیچ گزارشی مبنی بر اینکه پیامبر^(ص) نماز را بدون سوره فاتحه به جا آورده باشد، در دست نیست. پس سوره حمد، اولین سوره نازل شده است (ر.ک؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۲۷۴).

۲-۳-۲. دلیل نقلی

پژوهشگران علوم قرآنی که به تقدم نزول سوره حمد معتقدند، به احادیث متعددی تمسک می جویند؛ مثلاً سعید بن مسیب از علی^(ع) روایت می کند:

«از پیامبر^(ص) درباره ثواب قرآن پرسیدم. از ثواب سوره های قرآن، بنا بر آن طوری که از آسمان نازل شده و اولین سوره ای که در مکه نازل گردید، سوره فاتحه الکتاب بود و آنگاه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾... خبر داد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۳).

با توجه به این روایت، تقدم سوره حمد از حیث نزول بر سایر سوره های دانسته می شود. طبرسی از عمرو بن شرحبیل جریان پیامبر و خدیجه و ورقه بن نوفل را نقل می کند که ورقه، پیامبر را به نبوتش آگاه ساخت! (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۰).

در نقد این روایت علامه طباطبائی چنین می فرماید: این داستان که در این روایت آمده خالی از اشکال نیست، برای اینکه اولاً به پیامبر^(ص) نسبت شک در نبوت داده شده است؛ زیرا حضرت احتمال داده آن صدا از القائنات شیطانی باشد. ثانیاً به حضرت نسبت داده شده که اضطراب وی به واسطه یک مرد نصرانی (ورقه بن نوفل) رفع شده است، در حالی که خدا در مورد پیامبر^(ص) فرموده است: «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي»، پس چگونه ممکن است

چنین شخصیتی برای آرامش خاطرش نیازمند به آن فرد باشد و مگر خدا درباره حضرت چنین نفرموده است: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾. حال آیا اعتماد کردن به قول ورقه بصیرت می آورد؟ آیا بصیرت تابعان نیز بدین صورت حاصل می شود که ایمان آورده اند به کسی که به گفتاری بی دلیل اعتماد کرده است؟ قطعاً حصول بصیرت و تشخیص نبوت یک پیامبر تا این حد سست نیست، بلکه نظر مقبول و مورد تأیید این است که نبی و رسول الهی نسبت به نبوت و رسالت از سوی خداوند متعال، قطع و یقین دارند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۲۸).

از نظر عقلی، پیامبری می تواند دیگران را به واسطه وحی هدایت کند که خود از هر گونه خطا در دریافت وحی مصون باشد. از این رو، ماجرای مطرح شده در این روایت، با مبانی عقلی عصمت در دریافت وحی تناسب ندارد (ر.ک؛ علوی مهر، ۱۳۹۲: ۱۸۸).

توجه به این مطلب لازم است که این حدیث بر تقدم نزولی سوره حمد دلالت نمی کند، بلکه چنین دانسته می شود که نزول سوره حمد پس از نزول وحی در غار حراء بود و بعد از سخن و اشاره ورقه بن نوفل، حضرت به این ندا و آوا گوش می دهد و به لحاظ سندی، این روایت از روایات مرسل محسوب می شود و اختلاف در نقل های این روایت، دلیل بر مجعول بودن این روایت است (ر.ک؛ رامیار، ۱۳۴۶: ۵۶۲).

محمد عزت دروزه نیز در ابتدای تفسیر خویش که بر اساس ترتیب نزول تدوین یافته است، سوره حمد را بنا بر روایتی از ابن عباس و مجاهد آغازین سوره قرآن در ترتیب نزول می داند (ر.ک؛ دروزه، ۱۴۰۴ ق.، ج ۱: ۱۷) که روایت مذکور بنا بر تلقی شیعه از روایت که آن را منحصر در منتهی شدن آن به معصوم می داند، قول صحابی و تابعی بوده، نه روایت. بنابراین، اجتهادی بودن آن به وسیله آنان نیز احتمال می رود.

۲-۳-۳. اقامه نماز پیامبر با یاران در ابتدای بعثت و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا

بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»

مسئله‌ای که می‌تواند قول تقدم نزولی سوره حمد را تأیید و تثبیت کند، برپایی نماز به وسیله پیامبر (ص) و یاران خاص وی، همچون خدیجه (س) و علی (ع) در ابتدای بعثت است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق. ج ۱: ۱۰۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۶). از طرفی، هم در شریعت اسلام، قرائت سوره حمد در نماز از واجبات نماز به حساب می‌آید و برای صحت نماز باید خوانده شود. پس برای تصحیح نماز پیامبر (ص) و یاران خاص وی در ابتدای بعثت باید قائل به نزول سوره حمد به عنوان اولین سوره نازل شده (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۵۹).

برای تمسک به این دلیل باید دو مطلب را ثابت کرد. اولاً اینکه ثابت شود پیامبر (ص) در آغاز بعثت و یا حتی پیش از آن، نماز را به‌جا می‌آورد و ثانیاً ثابت شود که نماز پیامبر (ص) در آغاز بعثت همراه با قرائت سوره فاتحه‌الکتاب بوده‌است. قوی‌ترین دلیل برای اثبات نماز خواندن پیامبر (ص) حتی قبل از بعثت، آیه‌های ۹ و ۱۰ سوره علق است که از نماز خواندن او خبر می‌دهد: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾.

درباره اثبات مطلب دوم، می‌توان گفت که احادیث متعددی دلالت دارند که نماز با ترک قرائت سوره حمد صحیح نیست که سابقاً در این نوشتار بررسی شد.

۳-۳-۴. توجیه تقدم نزول سوره حمد بدون تکیه بر اقامه نماز پیامبر با یاران

در ابتدای بعثت

در مقابل این مطلب که نماز پیامبر (ص) و یاران وی و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» مؤید تقدم نزولی سوره حمد قلمداد شود، یکی از محققان معاصر توجیهاتی را بیان کرده‌است که با توجه به این آن‌ها دیگر نیازی به قائل شدن به تقدم نزولی سوره حمد برای صحت نماز پیامبر (ص) و یارانش نیست:

الف) حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» بعد از نزول سوره حمد از جانب پیامبر (ص) صادر شده است و لزومی ندارد به حسب این روایت و نماز پیامبر (ص) و یاران وی قائل به تقدم نزولی سوره حمد شد (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰). البته ادعای عدم لزوم، ناتمام است؛ زیرا وجود روایتی متکی بر سیره پیامبر در نماز خواندن، می توان چنین روایتی را حمل بر توضیح همان سیره دانست و این به معنای بی نیازی از مفاد روایت مذکور و نیز تمسک به سیره نبوی نیست. بنابراین، وقتی استبعاد در وجود سوره حمد در نماز ابتدای بعثت، از طریق وحی خاص به پیامبر نیست، قول به عدم لزوم جایی ندارد.

ب) نمی توان به صورت قطعی گفت نماز در ابتدای بعثت به همین کیفیتی است که امروزه به جا می آید. چه بسا نماز پیامبر (ص) و یاران وی، قبل از نزول قرآن با اذکار دیگری یا بر اساس دین ابراهیم (ع) بوده است (ر.ک؛ همان). این دلیل نیز صرفاً یک احتمال است و در مقابل دلیل های متعدد نقلی و جوب نماز با قرائت سوره حمد، توانایی مقابله ندارد.

ج) احادیثی همچون «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِقِرَاءَتِهَا» بر تقدم نزولی سوره حمد دلالت ندارد؛ چرا که اگر سوره حمد پنجمین سوره هم باشد، باز هم گفتن «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِقِرَاءَتِهَا» صحیح است (ر.ک؛ همان). محقق مذکور دقت نکرده است که ضمیمه شدن این روایت با گزارش های کیفیت نماز در ابتدای بعثت، اثبات کننده اولین سوره منزل حمد است، نه به تنهایی.

د) اگر از ابتدای بعثت، حتی بعد از نزول چند سوره هم نماز به عنوان عمل عبادی تشریح شده باشد، باز هم صحیح است که گفته شود نماز از ابتدای بعثت بود، حال آنکه سوره حمد پنجمین سوره نازل شده است (ر.ک؛ همان). پاسخی که در مورد قبل ارائه شد، در اینجا نیز به عنوان نقد آن می توان ذکر کرد.

هـ) طبق گزارشی که ابن شهر آشوب داده است، پیامبر (ص) در سن سی و هفت سالگی به واسطه جبرئیل، اعمال وضو، رکوع و سجود را یاد گرفت و در سن چهل سالگی و در زمان مبعوث شدن به پیامبری، سایر مسائل مربوط به نماز را آموخت و خدیجه (س) و علی (ع) نیز از پیامبر (ص) این امور را یاد گرفتند (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۴) و ممکن است این گونه تصور شود که قبل از نزول قرآن و سوره حمد، پیامبر (ص) و یارانش با اجزای نماز

آشنا بوده‌اند. پس دیگر نیازی نیست که برای تصحیح نمازشان به تقدم نزولی سوره حمد قائل شد. اما با توجه به سبع مثنایی بودن سوره حمد و اینکه بنا بر نظر مشهور، سوره حمد دو نزول داشته‌است و یا دو بار در نماز قرائت می‌شود (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷)، این تصور با پذیرش نزول مکی و لزوم قرائت آن در نماز قابل حل شدنی است.

و) احادیثی دلالت دارند بر اینکه علی^(ع) پیش از نزول قرآن، نسبت به قرآن و یا حداقل بخشی از آن آگاهی داشت و طبق این روایات، دیگر نیازی برای تصحیح نماز علی^(ع) نیست که در ابتدای بعثت و قبل از نزول قرآن با پیامبر نماز می‌خواند؛ مانند روایت مربوط به قرائت بخشی از سوره مؤمنون به وسیله علی^(ع) هنگام تولد (ر.ک؛ طوسی، بی تا: ۷۰۷).

۳-۴. راهکار جمع بین دیدگاه‌ها

قرآن پژوهان درباره جمع‌بندی بین دیدگاه‌ها، راهکار رایجی دارند. آیت‌الله معرفت از قائلان به این راهکار است و بر این باور است که سه یا پنج آیه اول سوره علق در ابتدای بعثت و به هنگام بشارت بر نبوت پیامبر^(ص) نازل شده که این مسئله مورد اتفاق نظر است، سپس چندین آیه از اول سوره مدثر بعد از دوره فترت وحی بر پیامبر اکرم^(ص) نازل شده‌است. در ابتدای نزول، سوره‌های علق و مدثر، مستقل محسوب نمی‌شدند و با نزول بقیه آیات، بر این دو سوره اطلاق شده‌است، اما سوره حمد اولین سوره کامل نازل شده محسوب می‌شود. سرانجام، می‌توان گفت اگر در بحث تقدم نزولی، ابتدا سور مدنظر باشد، در این صورت، سوره علق به عنوان اولین سوره نازله، و سوره حمد، پنجمین سوره به حساب خواهد آمد، اما اگر کامل بودن سوره به هنگام نزول مقصود باشد، در این حالت، سوره حمد نخستین سوره نازله به حساب خواهد آمد (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۲۷). البته اتفاق ادعایی ایشان منحصر در دلایل نقلی موجود و دلالت‌کننده نزول پنج آیه ابتدایی سوره علق در واقعه بعثت پیامبر است، در حالی که توجه به اختلاف در مفعول به ﴿اقْرَأْ﴾ در

این سوره، چنان که ذکر شد، می‌تواند شکننده اتفاق مذکور بنا بر دلایل اجتهادی، همچون توجه به تفسیر و سیاق آیات و نکات ادبیات عربی آن‌ها باشد.

۴. نتیجه

گرچه محدودیت‌های این پژوهش فقدان منابع مستقل و محض درباره مسئله مورد بحث بوده است، اما با توجه به مطالب و قراین اشاره شده، عبادت و ادای نماز در پیشگاه خداوند متعال، هرچند با کیفیتی متفاوت، در تمام ادیان الهی وجود داشته است و نماز، آخرین وصیت انبیاء محسوب می‌شود. اولین دستوری که از جانب خداوند متعال به پیامبر (ص) داده شده، نماز است و در این امر خطیر، یاران خاص وی، همچون خدیجه (س) و علی (ع) پیامبر (ص) را همراهی کردند. حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» از حیث محتوا دلالت دارد بر اینکه نماز بدون خواندن سوره حمد صحیح نیست. پژوهشگران قرآنی با عنایت به ادله و قرائن مربوط، یکی از سوره‌های مدثر، علق و یا حمد را به عنوان اولین سوره نازل بر گزیده‌اند. در مقام بیان تقدم نزولی سوره حمد، به تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» تمسک کرده‌اند که با توجه به توجیهاط مطرح شده از سوی قرآن پژوهانی مانند آیت‌الله معرفت، نیازی به قائل شدن به تقدم نزولی سوره حمد برای تصحیح نماز پیامبر (ص) و یارانش نیست. در جمع‌بندی بین روایات نخستین نزول، روش رایج بدین صورت است که سوره حمد اولین سوره کامل و سوره علق نخستین سوره ناقصی است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.

به عنوان موضوع پیشنهادی برای مطالعات بعدی، بررسی روایات تشریح نماز در معراج به صورت خاص، با روایات ترتیب نزول سوره حمد و تاریخ گذاری اجتهادی آن از سوی مستشرقان شایسته پیگیری است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Orchid

Kamran Oveysi

Saeed Farhang Jelodar



<https://orcid.org/0000-0002-5900-110X>

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ق.). *عیون أخبار الرضا*. تهران: نشر جهان.
_____. (۱۴۱۳ ق.). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۰ ق.). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*. قم: خیام.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ ق.). *مناقب آل اَبی طالب*. قم: علامه.
ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ ق.). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم: دار
سیدالشهداء.

احمدی، حبیب الله. (۱۳۸۱). *پژوهشی در علوم قرآن*. قم: فاطیما.
برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ ق.). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.
بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ ق.). *صحیح البخاری*. دمشق: دار طوق النجاة.
حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
حسکانی، عیدالله. (۱۴۱۱ ق.). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد
الإسلامی.

حی، یهودا و دیگران. (۱۳۹۰). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه یهوشوع نتن آلی و امیر فریدون گرگانی. تهران:
اساطیر.

خامه گر، محمد و نقی زاده، محمد. (۱۳۹۱). *چالش نخستین سوره / جمع بندی نوین از روایات نخستین سوره*
نازل شده بر پیامبر اکرم (ص). *پژوهش های قرآنی*. س ۱۸. ش ۶۹. صص ۱۳۴—۱۵۵.
<http://noo.rs/uEORJ>

دروزه، محمد عزه. (۱۴۲۱ ق.). *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
رامیار، محمود. (۱۳۴۶). *تاریخ قرآن*. تهران: نشر اندیشه.
راوندی، قطب الدین سعید. (۱۴۰۲ ق.). *فقه القرآن*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
زیبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر.
زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق.). *الکشاف*. بیروت: دار الکتب العربی.
زر کشی، محمد بن بهادر. (۱۴۱۰ ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی
نجفی.

_____. (۱۴۲۱ ق.). *الایتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دار الکتب العربی.

رابطه تشریح نماز و حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» در ...: کامران اویسی و سعید فرهنگ جلودار | ۲۱

- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- _____ . (۱۴۱۷ ق.). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. ط. الحدیثه. قم: آل البیت.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ . (۱۴۰۷ ق.). *تهذیب الأحكام*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۱۴ ق.). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- عزیزی کیا، غلامعلی. (۱۳۸۴). «تاریخ وجوب نمازهای یومیة در اسلام». *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*. س ۴. ش ۷. صص ۲۱۹-۲۳۶؛ <http://noo.rs/UghDv>
- علوی مهر، حسین. (۱۳۹۲). *مسئله وحی و پاسخ به شبهات*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فضائی، یوسف. (۱۳۶۱). *سیر تحولی دین های یهود و مسیح*. تهران: عطایی.
- قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۲۹ ق.). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ ق.). *لوامع صاحبقرآنی المشتهر بشرح الفقیه*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار التراث العربی.
- مظفر، محمدرضا. (بی تا). *المنطق*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ . (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- _____ . (۱۳۸۲). *تاریخ قرآن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- موسوی، محسن و حجت علی نژاد. (۱۳۹۶). «پژوهشی پیرامون نخستین آیات نازل شده بر پیامبر». *احسن الحدیث*. س ۴. ش ۳. صص ۵۲-۶۵؛ <http://noo.rs/f9pOw>
- نیشابوری، محمدبن حجاج. (بی تا). *صحیح مسلم*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*. تهران: هستی نما.
- _____ . (۱۳۷۹). «زمان شناسی سوره حمد». *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*. س ۸. ش ۲۴. صص

<http://noo.rs/ozFIX>؛ ۳۱-۲۳

..... (۱۳۸۲). «تفسیر سورة علق در بستر تاریخی». مقالات و بررسی‌ها. س ۳۲. ش ۷۶. صص

<http://noo.rs/RmyNE> ۶۳-۸۲

هاکس، جیمز. (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.

Bibliography

The Holy Quran.

Ahmadi, Habibullah. (1381). *A Research in Quranic Sciences*. Qom: Fatima. [In Persian].

Alavi Mehr, Hossein. (2012). *The Issue of Revelation and Answers to Doubts*. Qom: Al-Mostafa International Translation and Publishing Center. [In Persian].

Azizikia, Gholam Ali. (1384). "The History of Obligatory Daily Prayers in Islam". *Islamic History in The Mirror of Research*. Vol. 4. No. 7. Pp. 219-236; <http://noo.rs/UghDv>. [In Persian].

Barghi, Ahmad bin Mohammad. (1371 A.H.). *Al-Mahasen*. Qom: Dar al-Ketab al-Islamiyyah. [In Persian].

Bukhari, Mohammad ibn Ismail. (1422 AH). *Sahih al-Bukhari*. Damascus: Dar Togh al-Nejat. [In Arabic].

Darozeh, Mohammad Azzah. (1421 A.H.). *Al-Tafsir al-Hadith: Tartib al-Sovar Hasabe al-Nozool*. Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic].

Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. (1420 AD). *Al-Tafseer Al-Kabir (Mufatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].

Fazaei, Yusuf. (1361). *The Evolutionary Course of Jewish and Christian Religions*. Tehran: Atai. [In Persian].

Hor Ameli, Mohammad ibn Hasan. (1409 AH). *Vasael al-Shia*. Qom: Al ul-Bayt Institute. [In Persian].

Hasakani, Obaidullah. (1411 AH). *Shavahed al-Tanzil Le Ghavaed al-Tafzil*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian].

Hawkes, James. (1383). *Bible Dictionary*. Tehran: Asatir. [In Persian]. Hay, Yehuda and others. (1390). *A Treasure of the Telmoud*. Translated by Yehoshu Netanali and Amir Fareydoon Gorgani. Tehran: Asatir. [In Persian].

Ibn Abi Jomhour, Mohammad ibn Zain al-Din. (1405 AH). *Avali al-Leali al-Aziziah fi al-Ahadith al-Diniyya*. Qom: Dar Seyyed al-Shohada. [In Persian].

Ibn Babouyeh, Muhammad ibn Ali. (1378 AD). *Oyun Akhbar al-Reza*. Tehran: Nashr Jahan. [In Persian].

..... (1413 AH). *Man La Yazaraho al-Faghih*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian].

Ibn Shahrashub, Mohammad ibn Ali. (1379 AD). *Manaqib Al-e abi Taleb*. Qom: Allameh. [In Persian].

- Ibn Tavoos, Ali ibn Musa. (1400 AD). *Al-Taraef fi Marefat Mazaheb al-Tawaef*. Qom: Khayyam. [In Persian].
- Khamegar, Mohammad and Naghizadeh, Mohammad. (2011). "The Challenge of the First Surah / A New Summary of the Traditions of the First Surah Revealed to the Holy Prophet (PBUH)". *Quranic Studies*. Vol. 18. No. 69. Pp. 134-155. <http://noo.rs/uEORJ>. [In Persian].
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghoub. (1429 AH). *Al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Taghi. (1414 AH). *Lawame-e Sahebgharani, al-Moshtahar be Sharh al-Faghih*. Qom: Ismailian Institutian. [In Persian].
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1403 AH). *Behar al-Anwar*. Beirut: Dar al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Makarem Shirazi, Nasser. (1371). *Tafsir-e Nemooneh*. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiyyah. [In Persian].
- Marefat, Mohammad Hadi. (1388). *Tamhid fi Oloum al-Qur'an*. Qom: al-Tamhid Cultural Publishing House. [In Persian].
- (1381). *Oloum al-Qur'ani*. Qom: al-Tamahid Cultural Publishing House. [In Persian].
- (1382). *History of the Qur'an*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt). [In Persian].
- Mousavi, Mohsen and Hojjat Alinejad. (2016). "Research on the first Verses Revealed to the Prophet". *Ahsan Hadith*. Vol. 4. No. 3. Pp. 52-65; <http://noo.rs/f9pOw>. [In Persian].
- Mozaffar, Mohammadreza. (ND). *Al-Mantegh*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian].
- Nekonam, Jafar. (1380). *An Introduction to the Dating of the Qur'an*. Tehran: Hastinama. [In Persian].
- (1379). "Chronology of Sureh Hamd". *Historical studies of Quran and Hadith*. Vol. 8. No. 24. Pp. 23-31; <http://noo.rs/ozFIX>. [In Persian].
- (1382). "Commentary on Sureh al-Alak in Historical Context". *Articles and Reviews*. Q. 32. No. 76. Pp. 82-63; <http://noo.rs/RmyNE>. [In Persian].
- Neyshabouri, Mohammad ibn Hajjaj. (ND). *Sahih Moslim*. Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- Qortobi, Mohammad ibn Ahmad. (1364). *Al-Jamae al-Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosro. [In Persian].
- Ramyar, Mahmoud. (1346). *History of the Qur'an*. Tehran: Andisheh Publishing House. [In Persian].

- Ravandi, Qotbuddin Saeed. (1402 A.H.). *Feghh al-Qur'an*. Qom: School of Ayatollah al-Marashi al-Najafi. [In Persian].
- Siyouti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (1404 AH). *Al-Dor al-Mansour fi Tafsir al-Masour*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Persian].
- . (1421 AH). *Al-Etghan fi Oloum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic].
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa. [In Arabic].
- Tabataba'i, Mohammad Hossein. (1390 AD). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Aalami Publishing Institute. [In Arabic].
- Tabresi, Fazl ibn Hasan. (1372). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian].
- . (1417 AH). *Alam al-Vora be Alam al-Hoda*. Qom: Al ulBayt. [In Persian].
- Tousi, Mohammad ibn Hasan. (ND). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi. [In Arabic].
- . (1407 AH). *Tahzib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiyyeh. [In Persian].
- . (1414 AH). *Amali*. Qom: Dar al-Theghafah. [In Persian].
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar. (1407 A.H.). *Al-Kashaf*. Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi. [In Arabic].
- Zarakshi, Mohammad ibn Bahador. (1410 AD). *Al-Borhan fi Oloum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafat. [In Arabic].
- Zubeidi, Mohammad bin Mohammad. (1414 A.H.). *Taj al-Aroos men Javaher al-Ghamoos*. Beirut: Dar al-Fakr. [In Arabic].

استناد به این مقاله: اوپسی، کامران و فرهنگ جلودار، سعید. (۱۴۰۱). رابطه تشریح نماز و حدیث "لا صلاة الا بفاتحة الكتاب" در شناخت نخستین سوره نازل، دوفصلنامه علمی سراج منیر، ۱۳(۴۵)، ۱-۲۴.

DOI: 10.22054/ajsm.2023.72377.1906



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.